

مستندات قرآنی بصیرت در نخبگان و مصادیق بارز آن با محوریت کلام مقام معظم رهبری

سهیلا گلآمراج الیاسی^۱

چکیده

مستندات قرآنی بصیرت در نخبگان و مصادیق بارز آن با محوریت کلام مقام معظم رهبری موضوعی است که به علت اهمیت بالای مقوله بصیرت و عملکرد بصیرانه نخبگان در جامعه اسلامی ایران مورد بحث می باشد، بی تردید فتنه و دشمنی دشمنان در رابطه با مسائل گوناگون کشور اسلامی ایران انکار ناپذیر است، از همین رو ضروری است که مستندات قرآنی مربوط به بصیرت را در رابطه با نخبگان بررسی شود مقاله پیش رو نیز در پی پاسخ به این پرسش است که مستندات قرآنی بصیرت در نخبگان و مصادیق بارز آن با محوریت کلام مقام معظم رهبری کدام است؟ مقاله با روش تحلیلی- توصیفی و با شیوه رجوع به وحی الهی و بیانان مقام معظم رهبری و اطلاعات کتابخانه ای گرد آوری شده است و یافته بیان کننده این مطلب است که بصیرت به عنوان یک نگرش تیزبینانه نسبت به واقع و رویداد های جامعه از خصلت های ویژه نخبگان است که مصادیق آن در قرآن کریم به صورت اطاعت از ولی امر، عدالت گستری، تبیین حقیقت و مقابله با نفاق است که مقام معظم رهبری نیز در رابطه با برخورد بصیرانه بیانات ارزشمندی فرموده است.

کلید واژه: بصیرت، رهبر، قرآن، نخبگان

^۱ طلبه سطح دو، مرکز حوزه علمیه غیر حضوری خواهران،

soheilaelyasi۴۲۶@gmail.com آدرس:

مقدمه

بیداری جهان اسلام به معنای برطرف نمودن غفلت‌ها و آشنایی با افق‌های ممکن که باعث تحرک‌های اجتماعی برای رسیدن به وضعیت مطلوب می‌شود، است. و این بیداری معطوف و مربوط به جهت‌گیری‌های اجتماعی نخبگان و مردم است و نقطه‌ی عطف بحث در این است که مردم و نخبگان چه تعاملاتی با یکدیگر دارند. از نظر امام خامنه‌ای حفظه‌الله، عامل بیداری جوامع، احاد امت اسلامی است و مردمی بودن، در اصل پیشرفت دولت‌های اسلامی بوده و نخبگان هم در بستر این اصل اساسی، واجد تأثیر و واجد اهمیت‌اند.

از موضوعات مهمی که رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی، همواره به آن تأکید داشته‌اند، مفهوم بصیرت و ضرورت بهره‌مندی و برخورداری از آن بوده است و آن را به عنوان تنها راه حل گرفتار و گمراه نشدن در غبار فتنه دانسته‌اند.

با بررسی اجمالی حوادث تاریخی و مشاهده‌ی معضلات و فراز و فرودهای تاریخ اسلام، درمی‌یابیم که آنچه که بیشتر از هر عامل دیگری، در وصول یا عدم وصول به موفقیت و پیروزی مسلمانان، تأثیرگذار بوده است، میزان بهره‌وری مردم و نخبگان از بصیرت، بوده است. و به جرأت می‌شود گفت دلیل همه‌ی کج‌روی‌ها و انحرافات سیاسی و اعتقادی امت‌ها که باعث نابودی و انحطاط آن‌ها شده است، به دلیل تصمیمات و موضع‌گیری‌ها و رفتارهای بی‌بصیرت بوده است.

اهمیت موضوع بررسی مصادیق بصیرت نخبگان از این رو است که قرآن کریم همواره به توجه و تفکر در رابطه با رخ دادها پیرامون انسان تذکر داده است و مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود بصیرت نخبگان را تأکید داشته‌اند از همین رو مقاله پیش‌رو با در پی پاسخ به ایرن پرسش که مستندات قرآنی بصیرت در نخبگان و مصادیق بارز آن با محوریت کلام مقام معظم رهبری کدام است؟ با روش تحلیلی-توصیفی و با شیوه رجوع به کتب کتابخانه‌ای و با محوریت بیانات رهبر انقلاب اسلامی گردآوری شده است.

پیشینه مقاله نشان می‌دهد که تا کنون مقالاتی در رابطه با بصیرت نخبگان نگاشته شده است که عبارت‌اند از:

مقاله نقش نخبگان در تحولات اجتماعی از نگاه امام علی(ع) نویسنده: سید ضیاء هاشمی که به موضوع نقش نخبگان با محوریت دیدگاه امیرالمومنین جمع‌آوری شده است و همچنین

مقاله بررسی راههای ارتقاء بصیرت سیاسی جوانان در راستای منزلت اجتماعی آنان فریدون عبدی که به موضوع بصیرت سیاسی پرداخته است.

با توجه به پیشینه موضوع می توان گفت که تا کنون پژوهشی در رابطه با موضوع بصیرت و مستندات قرآنی آن صورت نگرفته است و مقاله حاضر دارای نوآوری در موضوع است که با محوریت بیانات رهبری جمع اوری شده است.

مقاله حاضر در بخش مفهوم شناسی بصیرت و نخبه و همچنین اهمیت بصیرت نخبگان و مصادیق بصیرت نخبگان با توجه به مستندات قرآنی و بیانات رهبر انقلاب گردآوری شده است و یافته ها نشان می دهد که بصیرت نخبگان در اطاعت از ولی امر، تبیین حقیقت و عدالت گستری و مقابله با منافقان بوده است.

مفهوم شناسی

بصیرت

بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است.^۱ در اصطلاح، بصیرت عبارت از قوه ای است در قلب شخص که به نور قدسی منور بوده و به وسیله آن حقایق امور و اشیاء را درک می کند، برخی از محققان درباره بصیرت گفته اند که بصیرت، شناخت و معرفت و نیز اعتقاد حاصل شده در قلب نسبت به امور دینی و حقایق امور است.^۲ مشتقات این واژه، در قرآن کریم، بسیار زیاد به کار رفته است و عبارت «اولی الابصار» به معنای صاحبان پند گیری و بینش است^۳ و «بصیر» به معنای بینا و آگاه^۴، «مبصر» به معنای آگاهی دهنده و روشنایی دهنده^۵ و «مستبصر» به معنای خواهان آگاهی و بصیرت و ممیز دهنده ی حق از باطل^۶ و «تبصره» به معنای بینش ده و یادآور^۷، می باشد. در یک نگاه کلی، بصیرت به معنای دیدن و بینایی است که گاهی با چشم ظاهری صورت، تحقق می یابد و بعد حسی دارد و گاهی با چشم باطن و درون و عقل، صورت می پذیرد و به معنای درک و دریافت قلبی و عقل می باشد.

نخبه

برگزیده و انتخاب شده از هرچیز.^۸ برگزیده^۹ و همچنین در تعاریف جامعه شناسی آمده است که نخبه فرد یا گروهی است که از ساختار برآمده باشد و حامل ویژگیهای ساختاری باشد.^{۱۰}

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۱۸

^۲ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۱۶۶

^۳ آل عمران آیه ۱۳ و نور آیه ۴۴ و حشر آیه ۲

^۴ اسراء آیه ۱۷ و فاطر آیه ۱۹

^۵ یونس آیه ۶۷ نمل آیه ۸۶، غافر آیه ۶۱

^۶ عنکبوت آیه ۳۸

^۷ ق آیه ۸، یوسف آیه ۱۰۸، قیامت آیه ۱۴

^۸ معین، فرهنگ فارسی معین،

^۹ عمید، فرهنگ عمید،

^{۱۰} میلز، سی رایت، نخبگان قدرت، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران، فرهنگ مکتوب،

در رابطه با رویکرد های نظریه نخبه نیز آمده است که نخبه می تواند ساختار خود را باز تولید، اصلاح و یا حتی تغییر دهد.^۱

اهمیت بصیرت

اگر فرد بصیرت نداشته باشد، هر چند ایمان جوشان و خروشان داشته باشد، دچار فریب می شود و وقتی او فریب خورد، ایمانش در خدمت به اهداف دینی، به کار نخواهد آمد. حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین فرمودند: «و قد فُتِحَ بابُ الحَرْبِ بَيْنَكُمْ و بَيْنَ أَهْلِ القِبْلَةِ و لا يَحْمِلُ هذا العلمَ الا اهل البَصَرِ و الصَّبْرِ^۲» انسان باید بصیرت پیدا کند، این بصیرتی که در حوادث و وقایع لازم است به آن متصف بود.

در روایات و کلام علی علیه السلام هم به آن تأکید شده به این معناست که انسان باید به اتفاقاتی که پیرامون او می گذرد و اتفاقاتی که در پیش روی اوست و به او مرتبط است، تدبّر کند؛ سعی کند از کنار آن ها به طور سطحی و عامیانه نگذرد و به تعبیر امیرالمومنین علی علیه السلام تفکّر کند و بر اساس این تفکّر، اعتبار کند. «رَحِمَ اللهُ امرأً تَفَكَّرَ فاعْتَبَرُوا و اعتبر فأبصر^۳». پس انسان با این سنجش، بصیرت می یابد یعنی تدبّر در حوادث برای انسان بینایی ایجاد می کند و انسان چشمش به حقایق باز و گشوده می گردد.

مطالبه ی بصیرت، امری دشوار و غیر ممکن نیست، برای بصیرت افزایی لازم است که انسان اسیر دام های هوای نفس و قضاوت ها و پیش داوری ها نشود، دچار عناد و بدخواهی نشود و به موقع با عزم راسخ، تصمیم گیری نماید.

مقام معظم رهبری در رابطه با بصیرت می فرماید: «بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله نما و قطب نماست... در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان میدهد^۴... بصیرت عامل جلوگیری از «گمراهی» است... بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه،

^۱ ترنر، جاناتان، نظریه های نوین جامعه شناختی، ترجمه ع، مقدس و م، سروش، تهران، جامعه شناسان

^۲ نهج البلاغه، ترجمه ی مرحوم دشتی، خطبه ۱۷۳

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

^۴ بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۴/۸/۱۳۸۹

دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف^۱»

برای یافتن بصیرت، علاوه بر داشتن ایمان و شوق و محبت، باید لحظه شناس هم بود. کسانی بودند که در کوفه دل هایشان پر از حب و ایمان به حسین علیه السلام بود و به اهل بیت، مهر و محبت داشتند اما چند ماه دیرتر و با تأخیر، به میدان ورود کردند و شهید شدند، آنها پیش خداوند، دارای اجرند اما لحظه را نشناختند، عاشورا را درک نکردند کاری که توابعین بعد از واقعه عاشورا انجام دادند اگر هنگام ورود جناب مسلم بن عقیل به کوفه، انجام می‌شد؛ ممکن بود حوادث، طور دیگری رقم بخورد. شناسایی لحظه و انجام کار در لحظه‌ی مورد نیاز، اساس بصیرت است تا بتواند وجود مؤمن، مؤثر و کارگشا باشد.

دشمنان اسلام هیچ‌گاه، فضای شفاف را تحمل نمی‌کنند. می‌خواهند فضا را غبارآلود کنند تا به مقاصدشان برسند و فضای غبارآلود همان جریان فتنه است. همچنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «فتنه گر یک تکه حق و یک تکه باطل را می‌گیرد این‌ها را کنار هم می‌گذارد و با هم مخلوط می‌کند، آن وقت کسانی که به دنبال حق هستند امر برایشان مشتبه می‌شود^۲». راه علاج این موضوع و بصیرت‌افزایی، این است که حق به صراحت بیان شود و بیشتر از همه، خواص وظیفه‌دارند حرف را واضح و روشن بزنند و مطلب را به وضوح بیان کنند؛ حرف دوپهلو و در هاله‌ی ابهام زدن از جانب خواص، مطلوب و مقبول قبول نیست.

از لوازم بصیرت، زیرکی است و انسان‌ها باید با درایت وارد امور شوند؛ و در اجتماع بصیر؛ افراد نسبت به علائم نفاق و راستگویی و دشمنی و عناد، شناخت دارند و موفق هستند در عملکرد بصیرانه است که نقش نخبگان به وضوح احساس می‌شود زیرا نخبگان اجتماعی، اعم از نخبگان سنتی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، توان ویژه و برجسته‌ای در حفظ یا براندازی نظم موجود یا در انداختن طرح و سازمانی نو دارند و این توانایی ناشی از استعداد، درک و قدرت ویژه و خارق‌العاده آنان است. البته آن‌گاه که افراد نخبه حرکتی را آغاز کردند و راه نسبتاً هموار گردید، دیگران هم می‌توانند پشت سر آنان حرکت کنند و نقش نسبتاً جزئی‌تر خود را در حرکت تاریخی جامعه ایفا نمایند. از این‌روست که برخی صاحب‌نظران، تاریخ را میدان عمل یا صحنه بازی نخبگان قلمداد کرده، در تحلیل خود از تحولات تاریخی، محور و

^۱ بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

^۲ ادامه خطبه ۵۰

کانون بحث و استدلال خود را به این گروه اختصاص داده‌اند. به نظر آنان، تاریخ و تحولات آن را نوابغ به‌وجود می‌آورند. تاریخ هر جامعه جلوه‌گاه شخصیت و نبوغ قهرمانان و نوابغ است و به‌عبارت دیگر، برخی شخصیت‌های برجسته جلوه‌گاه تمام تاریخ یک جامعه‌اند.^۱

مصادیق بصیرت نخبگان

انسان باید به راه انسانهای وارسته و اهل بصیرت برود، در عصر حاضر، شهدا و مبارزان سال‌های انقلاب و دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم، از نمونه‌های بارز اهالی بصیرت اند.

به عنوان نمونه، یکی از ویژگی‌های ممتاز یاران امام حسین علیه السلام در کربلا، در واقعه عاشورا، بصیرت است. همچنان که امام صادق علیه السلام درباره حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را با تعبیر نافذالبصیره یاد می‌کنند^۲ و اینکه شهادت حضرت عباس علیه السلام از روی بصیرت و بر اساس اقتدا به صالحان بوده است^۳. در این بخش با محوریت سخنان مقام معظم رهبری مصادیق بصیرت نخبگان را بررسی خواهیم کرد.

۱- اطاعت از ولی امر

براساس مبانی فقهی و اعتقادی شیعیان، کسی شایستگی قرارگیری در رأس حکومت را دارد که فارغ از انگیزه‌های دنیوی و مادی، با پشتوانه الهی باشد و در راه برقراری احکام و حدود الهی، قدم بردارد و این مسئولیت در رتبه اول بر عهده پیامبران و سپس امامان علیهم السلام و در دوران غیبت، بر عهده ولی فقیه جامع شرایط است.

قرآن، اطاعت از خداوند و اولیای امرش را محور رفع منازعات و اختلافات جامعه می‌داند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت

^۱ مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (تهران: انتشارات صدرا) ص ۴۷۵.

^۲ اعیان الشیعه، جلد ۷، صفحه ۴۳۰

^۳ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام، صفحه ۴۳۵

کنید؛ پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید؛ این بهتر و نیک فرجام تر است.^۱»

امام علی علیه السلام در بیانی خطاب به دو نفر از یارانشان می فرماید: «کسی از شیعیان به بصیرت نمی رسند مگر اینکه با شناخت من به نور هدایت برسند پس وقتی که من را در مقام ولایت شناختند به طور تمام و کمال، بصیرت را یافته اند»^۲.

علت طاعت نیز در آیات الهی بیان شده است. «مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَمَا غَوَى، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى، عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»^۳، آن چه رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم می کند، همان حکم خدا و وحی الهی است. «پس داور و حکم برای مشاجرات، رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مراجعه به ایشان که ولی امر خداست، اساس ایمان است و از مصادیق بصیرت چنان که در قرآن آمده است:

«ولی چنین نیست؛ به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند، مگر آن که تو را در مورد آن چه میان آنان مایه‌ی اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند»^۴.

رهبر انقلاب نیز در رابطه با اطاعت از ولی امر می فرماید: «وجوب اطاعت از فرامین ولی فقیه مشروط به نفی احتمال خطا نیست. هیچ کس نمی تواند به بهانه‌ی این که فرمان رهبری اشتباه است یا ممکن است اشتباه باشد، از اطاعت وی شانه خالی کند. اگر چنین بشود، هرج و مرج و اختلال در نظام پدید می آید. همه‌ی مردم و از جمله نخبگان و صاحب نظران باید از اوامر رهبری اطاعت کنند»^۵.

^۱ نساء/۵۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

^۲ بحار الانوار، جلد ۲۶، صفحه ۷

^۳ نجم/۲-۵.

^۴ نساء/۶۵. فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

^۵ سخنرانی رهبر معظم انقلاب در جمع مردم کرمانشاه، مهر ماه ۱۳۹۰

این اطاعت از ولی فقهی از مصادیق بارز بصیرت نخبگان است که مستندات قرآنی بیان شده آن را از اساسی ترین وظایف نخبگان بیان می کند.

۲- تبیین حقیقت

یکی از مصادیق بصیرت، تبیین حقیقت است. نقطه مقابل تبیین حقیقت کتمان حقیقت است که در قرآن این مسأله درباره‌ی دانشمندان اهل کتاب مصداق دارد که وقتی نشانه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را با آن چه در بشارت‌های کتب آسمانی خود مطابق دیدند، موقعیت خود را در خطر دانسته و حقیقت را کتمان کردند و از پیوستن اهل کتاب به جمع مسلمانان جلوگیری به عمل آوردند:

«و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند؛ و چه بد معامله ای کردند.»^۱

مقام معظم رهبری در این رابطه می فرماید: «یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند.»^۲

آیه‌ی دیگری که در آن پیامد اخروی کتمان حقیقت آمده، آیه‌ی زیر است:

«کسانی که دلایل روشن و وسیله‌ی هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان ساختیم کتمان می کنند، خدا آن‌ها را لعنت کرده و همه‌ی لعن‌کنندگان نیز آن‌ها را لعن می کنند. مگر آنان که توبه و بازگشت کردند، (اعمال بد خود را با اعمال نیک)

^۱ بقره/ ۱۷۶-۱۷۵.

^۲ بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۵ مرداد ۸۸

اصلاح نمودند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند، که من توبه‌ی آنها را می‌پذیرم
و من توّاب و رحیمم.^۱»

در تفسیر آیه‌ی فوق چنین آمده است:

«شأن نزول آیه - بنا به نقل جلال‌الدین سیوطی از ابن‌عبّاس در «أسباب النزول» - چنین است که چند نفر از مسلمانان، همچون معاذ بن جبل و سعد بن معاذ و خارجة بن زید، از دانشمندان یهود سؤالاتی پیرامون مطالبی از تورات که ارتباط با ظهور رسول خدا ۹ داشت کردند. آنان واقع‌مطلب را کتمان کرده و از توضیح خودداری کردند. آیه‌ی فوق درباره‌ی آنها نازل شد و مسؤولیت کتمان حق را به ایشان گوش‌زد کرد

انسان فطرتاً خواهان حق است و آنها که حق را کتمان می‌کنند، در واقع، جامعه‌ی انسانی را از سیر تکامل فطری باز می‌دارند. اما این ویژگی باید در نخبگان در درجه بالاتری باشد زیرا حتی گاه، سکوت در جایی که باید سخن گفت و افشاگری کرد، مصداق کتمان حق می‌شود، و وظیفه نخبه با بصیرت تبیین حقیقت است.

۳- عدالت

ضرورت توجه به این عنصر حیات‌بخش به‌عنوان رکن اساسی در اسلام، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در اسلام اهمیت عدالت تا به انجاست که هیچ قانونی در نظام اسلام نیست، مگر این که از عدل سرچشمه گرفته باشد. لذا از اصولی است که تخصیص در اسلام بردار نیست.^۲ مهم‌ترین وسیله برای ایجاد بینش و بصیرت در جامعه‌ی اسلامی، عدالت‌گستری است.

از این‌رو، لازم است همه‌ی مؤمنان، به‌ویژه دانشمندان و نخبگان دینی، در بسط و حفظ شریعت بکوشند عدالت محوری، باعث جلوگیری از بروز اختلافات می‌شود. مطابق قرآن کریم، وقتی انسان قصد دارد میان دو یا چند فرد یا گروه حکمیت کند، باید به عدالت حکم کند

^۱ بقره/ ۱۵۹-۱۶۰.

^۲ سبحانی، معالم الحکومة الاسلامیة، قم مکتبة الامام امیرالمؤمنین علیه السلام صص ۴۱۹-۴۱۸

«وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا؛ اگر چنین نکنند، هوای نفس او را به انحراف خواهد کشاند: فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا^۲؛ مقام معظم رهبری نیز در رابطه با عدالت می فرماید: «از نظر اسلام، عدالت ورزی یک وظیفه‌ی الهی است..... بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود.»^۳ همچنین عدالت گستری و ظلم ستیزی از خصوصیت های بارز مسئولین و نخبگان حکومت اسلامی است^۴ و از شروط اساسی به گونه ای که بی انصافی و بی عدالتی در عرصه های مختلف اجتماع به عنوان یکی از مفاسد مسئولین و نخبگان معرفی شده است.^۵

بحث عدالت در اندیشه های کشورداری امام علی علیه السلام مبحث بسیار گسترده و عمیقی است، در نگاه امام علی علیه السلام، عدالت، رأس و هسته اصلی و به مثابه شیره ایمان و سرچشمه همه خوبی‌هاست. «العدل رأس الايمان و جماع الاحسان»^۶

اگر عدالت برپا نشود، میان اقشار مختلف جامعه فاصله می‌افتد و از یک‌دیگر ناراضی می‌شوند و شکاف در میان ایشان به تدریج عمیق‌تر می‌شود. نمونه‌ی بارز این مسأله را در تاریخ صدر اسلام، در دوران خلافت عثمان می‌توان دید که چگونه نارضایتی و شکاف میان حکومت و ملت شدت یافت و نخبگان سیاسی، خود آلوده‌تر از همه بودند. در ابعاد دیگر، نظیر قضاوت نیز همین دیدگاه وجود دارد. پس می‌توان چنین استنباط کرد که حق‌مداری است که مردم را در جامعه‌ی اسلامی روز به روز امیدوارتر می‌کند و فاصله و شکاف میان مردم را تنگ‌تر می‌سازد.

^۱ نساء/ ۵۸.

^۲ نساء/ ۱۳۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنَّ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۚ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ ۚ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

^۳ بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۹۰/۲/۲۷

^۴ امام، صحیفه امام، ج ۲۰: ۱۴۵

^۵ همان، ج ۳: ۳۰۴

^۶ خوانساری، غررالحکم، ج ۲، ص ۳۰

۴- مبارزه با نفاق

واژه «نفاق» به معنای لغوی نخستین بار در قرآن، به معنای انسانِ دو چهره و دو رو بکار برده شده^۱. چنین اصطلاحی قبل از نزول قرآن نبوده است، واژه «منافق» در قرآن به کسی اختصاص دارد که گفتار او با آنچه که در دل اوست، مخالف است به عبارتی به انسان دو رو منافق می گویند^۲.

از علّت های اساسی و اصلی در به وجود آمدن نفاق جامعه ناتوانی کافران در برابر مرمغان می باشد و زیرا نمی توانند علنی مخالفت کنند. و با نفاق بر پیکره حاکمیت ایمان ضربات وحشتناکی وارد می کنند و موجبات سقوط جامعه مؤمنان را فراهم می کنند تا خود به ریاست برسند. در صدر اسلام مشرکان که لجاجت سراسر وجودشان را در برگرفته بود و نمی توانستند علنی با پیامبر خدا (ص) مبارزه کنند چاره یی جز تظاهر به مسلمانی نداشتند

قرآن کریم در رابطه با منافقان می فرماید: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ^۳؛ و برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند و از ساکنان مدینه [نیز عده ای] بر نفاق خو گرفته اند. تو آنان را نمی شناسی، ما آنان را می شناسیم. به زودی آنان را دو بار عذاب می کنیم؛ سپس به عذابی بزرگ باز گردانیده می شوند.»

تفسیر المیزان درباره ی اثر نفاق در ایجاد اختلاف چنین آورده است:

«این اختلاف هایی که در اسلام پدید آمد، همه به منافقین منتهی می گردد؛ همان منافقینی که قرآن کریم خشن ترین و کوبنده ترین بیان را درباره ی آنان دارد و مکر و توطئه ی آنان را عظیم می شمارد ... اگر خواننده ی عزیز بیاناتی را که قرآن کریم در سوره ی بقره و توبه و احزاب و منافقین و سایر سوره ها درباره ی منافقین دارد به دقت مورد مطالعه قرار دهد، لحنی عجیب خواهد دید^۴.»

^۱ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۳، ص ۲۲۸

^۲ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۵۶

^۳ توبه/ ۱۰۱

^۴ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۸.

عمار بن یاسر از جمله کسانی است که در ایجاد بصیرت دینی کوشا بوده است. پیشوای آزادگان شنید که عمار در کوشش برای هدایت مغیره بن شعبه است، پس به او فرمود:

«دَعَا يَا عَمَّارُ! فَلِنَّهُ لَمْ يَأْخُذْ مِنَ الدِّينِ إِلَّا مَا قَارَبَهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَ عَلَى عَمْدٍ لَبَسَ عَلَى نَفْسِهِ، لِيَجْعَلَ الشُّبُهَاتِ عَازِرًا لِسَقَطَاتِهِ؛^۱ عَمَّار! او را واگذار؛ چه، او چیزی از دین برنگرفته، جز آن چه وی را به دنیا نزدیک کردن تولد، و به عمد خود را به شبهه‌ها درافکنده تا آن را عذری برای خطاهای خود گرداند.»

امام سجّاد (ع) درباره ی نفاق اخلاقی فرموده اند: منافق شخصی می باشد که از کاری منع می کند اما خود آن کار را انجام می دهد و دستور می دهد به انجام آنچه خود، انجام نمی دهد..... و روزش را شب می کند و غمی جز خوردن شام ندارد. با اینکه روزه هم نبوده و چون صبح بیدار شود، غمی جز خوابیدن ندارد، با اینکه شب در بیداری به سر نبرده است.^۲

مقام معظم رهبری در رابطه با برخورد با منافق مقابله با جهل و نفاق، وظیفه اصلی نیروهای انقلاب در گام دوم را تذکر داده اند و همچنین می فرمایند: «یک جریان بددل و بدخواه که متأسفانه در داخل دانشگاهها نیز حضور دارد، اصل جهش علمی کشور را که یک واقعیت عیان است، انکار و تلاش می کند با القاء اینکه هیچ اتفاق علمی مهمی رخ نداده است، مردم را دچار تردید و نخبگان را ناامید کند، اما شما در مقابل این جریان هرگز مأیوس نشوید».^۳

بصیرت صحیح، همواره موجب درک عمیق از مسائل می شود و از این طریق می توان تحلیل بهتری از وقایع و تحولات به دست آورد؛ بهتر آنها را ریشه یابی و دقیق تر، آسیب شناسی کرد و در نهایت، در کوتاه ترین زمان و با کمترین هزینه، درمان دردها و راه برون رفت از تنگناها را یافت از همین رو نخبگان بصیر در این مسیر می توانند نقش آفرینی داشته باشند.

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۴۰۵.

^۲ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۵۹.

^۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان و استعدادهای برتر علمی، ۱۷ / مهر / ۱۳۹۸.

نتیجه گیری

مستندات قرآنی بصیرت در نخبگان و مصادیق بارز آن با محوریت کلام مقام معظم رهبری نشان می دهد که:

بصیرت به معنای درک و دریافت قلبی است و خصلتی که با توجه به درک بالای نخبگان می تواند سبب شود نخبه بتواند ساختار خود را باز تولید، اصلاح و یا حتی تغییر دهد.

در آیات روایات مسئله بصیرت به صورت عام بیان شده است و در رابطه با مصادیق بصیرت در نخبگان نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد:

اطاعت از ولی امر: قرآن، اطاعت از خداوند و اولیای امرش را محور رفع منازعات و اختلافات جامعه می داند و مقام معظم رهبری نیز اطاعت را از وظایف نخبگان بیان می کنند.

تبیین حقیقت: انسان فطرتاً خواهان حق است و آن‌ها که حق را کتمان می کنند، در واقع، جامعه‌ی انسانی را از سیر تکامل فطری باز می دارند و از مصادیق نخبگان است.

عدالت: مهم‌ترین وسیله برای ایجاد بینش و بصیرت در جامعه‌ی اسلامی، عدالت‌گستری است.

مبارزه با نفاق: از جمله مسائلی که سبب ایجاد نفاق می شود عدم توانایی کعاندان با مومنان است که نخبگان با برخورد و مبارزه با آنان می توانند از ضربه زدن آنان به جامعه جلوگیری کنند.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۲، دار صادر، بيروت، سال: ۱۴۱۴ ق، چاپ: سوم.
۲. امام خمینی، روح اله، صحیفه نور، ج ۲۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲
۳. ترنر، جانانان، نظریه های نوین جامعه شناختی، ترجمه ع، مقدس و م، سروش، تهران، جامعه شناسان، ۱۳۹۳
۴. خوانساری، محمد بن حسین جمال، شرح غرر الحکم، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۸۵،
۵. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم، جام جوان، ۱۳۸۰
۶. سبحانی، جعفر، معالم الحکومه الاسلامیه، قم، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۲
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۳، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۸. عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، جلد ۷، دار التعارف للمطبوعات. مکان نشر، بیروت - لبنان. سال نشر، ۱۴۰۳ ق
۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، موسسه ی انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹
۱۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، عبدالله صالحی، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، چ دوم، قم، دارالهجره، ۱۴۱۰ ق
۱۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۳، قم، موسسه دار الهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق

۱۳. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، نشر صدیقه، ۱۳۷۹
۱۴. مجلسی، علامه محمد تقی، بحار الانوار، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷
۱۶. معین محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷؛
۱۷. میلز، سی رایت، نخبگان قدرت، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۳

سایت

۱. دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری Khamenei.ir